



پابند الکترونیک برای مهدی یراحی

وکیل مدافع مهدی یراحی گفت که حبس یکساله موکلم تبدیل به مراقبت‌های الکترونیکی (پابند با شعاع حرکتی ۱۰۰۰ متر) شده است. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت: زهرا مینویی، در ایکس (تویتر سابق) نوشت: «در پی ارسال پرونده موکلم آقای مهدی یراحی به شعبه اجرای احکام، با توجه به بیماری و نیاز به مراقبت‌های پزشکی، حبس یکساله ایشان تبدیل به مراقبت‌های الکترونیکی (پابند با شعاع حرکتی ۱۰۰۰ متر) شد. این حکم (با قرار وثیقه ۱۵ میلیارد تومانی) از اول اسفندماه اجرایی شده است. آقای مهدی یراحی براساس رأی «شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب»، به تحمل «۲ سال و ۸ ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق» محکوم شده‌اند که براساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات، یکسال از این حبس به‌عنوان مجازات‌اش، قابل اجراء است.» مینویی ۲۵ مهرماه سال جاری از آزادی موکلمش به قید وثیقه خبر داده بود.



اسپریت برنده‌اش را شناخت

جوایز ایندپندنت اسپریت ۲۰۲۴ یکشنبه در محل سنتی خود در سائتا مونیکا برگزار شد و «زندگی‌های گذشته» سلین سائنگ را با اهدای جایزه بهترین فیلم بلند به خانه فرستاد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از ویرایتی نوشت: «همه ما غریبه‌ها»، «داستان آمریکایی»، «می دسامبر»، «گذرگاه‌ها»، «اما اکنون بزرگ شده ایم» دیگر مدعیان این جایزه بودند اما آن‌چه بیش از اهدای جوایز سروصدا کرد، صدای هواداران فلسطین بود که شعار «فلسطین آزاد» سر داده بودند. هنگام اهدای جوایز، معترضان طرفدار فلسطین با شعارهای خود و با پخش یک پیام از پیش ضبط‌شده، توجه بسیاری از مجریان و برندگان را معطوف خود ساختند. پخش این صدا در مراسم غوغایی در بین حاضران ایجاد کرد، زیرا صدای آن از خود نمایش بلندتر بود و عده‌ای از برنامه خارج شدند تا ببینند این هیاهو چیست. دلیل این اختلال چندین بار در طول مراسم توضیح داده شد و آیدی برابان مجری برنامه گفت: «ببینید، ما در ساحل هستیم و مردم در حال تمرین آزادی بیان هستند.»



فروش فراتر از انتظار التون جان

نخستین شب از مزایده مجموعه متعلق به التون جان، خواننده و ترانه‌سرای انگلستانی، در حراجی کریستیز در حالی به پایان رسید که قیمت کلی آثار فروخته‌شده از پیش‌بینی‌ها فراتر رفت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، حراج مجموعه آثار متعلق به التون جان از جمله آثار هنری، کالاهای لوکس و لباس‌های خاص این هنرمند در حالی در روز چهارشنبه آغاز شد که تقریباً تمام اشیاء ارائه‌شده در روز نخست از حراجی این مجموعه به فروش رسید و قیمت کل اشیاء فروخته‌شده به ۸ میلیون دلار رسید که دو برابر قیمت پیش‌بینی شده است. خریدارانی از ۳۴ کشور برای خرید آثار ارائه‌شده در این حراجی با یکدیگر به رقابت پرداختند. ارزشمندترین اثری که در روز چهارشنبه ارائه شد، یک اثر هنری از بنکسی به نام «سه لوحی پرتاب‌کننده گل» (۲۰۱۷) بود که التون جان به‌طور مستقیم از بنکسی خرید. این اثر هنری در حالی به قیمت ۱/۹ میلیون دلار فروخته شده بود که قیمت تقریبی آن ۱/۵ میلیون دلار برآورد شده بود.

گفت‌وگو با احمد زیدآبادی

به مناسبت انتشار کتاب «نام و ننگ سال‌های زردفام»

فردوسی‌پور مشارکت مجلس هفتم را بالا برد

داشتند.

«ولی اولین مخالفان طرح شما بخشی از خود اصلاح‌طلبان از آب درآمدند؟»

گروه‌های اصلاح‌طلب اول گمان می‌کردند که آقای خاتمی به صحنه می‌آید. خاتمی که آمد آنها به‌شدت علیه ما موضع گرفتند، اما وقتی میرحسین آمد و خاتمی کناره گرفت، برخی از آنها روی پروژه حضور نوری در انتخابات قدری تأمل کردند و بحث‌هایی در گرفت. اما جریان غالب آنها سمت میرحسین رفت و باز هم علیه پروژه حضور آقای نوری فعال شدند و راستش را بخواهید، اذیت کلامی هم کردند. اگر پیش از آقای مهندس موسوی روی نوری اجماع می‌شد، بسیاری از مسائل پیش نمی‌آمد. باین همه عبدالله نوری شخصیت مورد احترامی در میان اصلاح‌طلبان بود اما ظاهراً تا جایی که نخواهد موازی با آنها یا در رقابت با آنها باشد!

«شاید راه دیگری نیز پیش روی شما بود که اتفاقاً با منطق تحلیل کلی‌تان هم هماهنگی بیشتری داشت و آن این بود که از انتخابات ۸۸ به کلی می‌گذشتید و اجازه می‌دادید احمدی‌نژاد کار خود را به منتهای خود برساند و سیستم هم به نقطه تصمیم‌گیری جهت یا بحران برسد؟»

خب رسیدن سیستم به نقطه بحران به خودی خود کمکی نمی‌کند چون ممکن است به فروپاشی سیستم منجر شود که دود آن به چشم همه می‌رود. پس در صورت بروز بحران، بسیج افکار عمومی نیز لازم است تا در جهت تغییر و اصلاح وضع و نه به‌هم ریختن آن، حرکت کند. فرصت‌های انتخاباتی از این لحاظ بسیار مهم هستند زیرا در این دوران سقف سانسور و تحمل بالاتر می‌رود.

«در دهه ۱۳۸۰ جنبش دانشجویی گمان می‌کرد، باید به هر نحوی شده دست به فعالیت‌های بزند و انگار گذشتن از یک انتخابات و بی‌تفاوتی نسبت به آن در قاموس فعالیت سیاسی آن دهه دانشجویان بی‌معنا بود. شما در همین سال‌ها با دانشجویان و جنبش دانشجویی ارتباط تنگاتنگی پیدا کردید. این تمایل و گرایش موجود در میان دانشجویان نبود که شما را به سمت نقش‌آفرینی در انتخابات سوق می‌داد؟»

نه، برای من اینطور نبود چون من از انتخابات قبل از آنها عبور کرده بودم. آنچه مرا ترغیب کرد مشاهده آن پتانسیل اعتراضی بود. این پتانسیل اتفاقاً عمل کرد و مسبب جنبش سبز شد. من این پتانسیل را حس کرده بودم اما البته فکر نمی‌کردم چنین فوران عمل کند و تلاشم این بود که به طرزی کنترل‌شده به ثمر بنشیند. من منتقد حضور خیابانی به‌صورتی که در سال ۱۳۸۸ رخ داد، بودم و تلاشم این بود که چنین نشود و به طرزی مسالمت‌آمیز اما مؤثر، فشاری ذهنی و گفتگویی بر سیستم اعمال شود. کمتر کسی قبل از انتخابات به این امر اعتقاد داشت ولی وقتی این نیرو بعد از اعلام نتایج انتخابات خود را به‌صورت اعتراض خیابانی نشان داد و بسیاری به دنبال آن روان شدند. من اما به سیاست خیابانی اعتقاد نداشتم و آن را محکوم به ناکامی می‌دانستم.

«یکی دیگر از ویژگی‌های رایج در میان جنبش دانشجویی ناامیدی از افق آتی و خشم و غضب از ناتوانی در تغییر مناسبات بود. انگار در نبردی نابرابر واقع شده‌اند و حتی اگر بتوانند ضربه‌ای نیز به رقیب وارد آورند، از لحاظ هیجانی تخلیه می‌شوند و اندکی تشفی خاطر پیدا می‌کنند. در خاطرات شما نیز این دیده می‌شود که در بحث‌های سیاسی نوعی بی‌حوصلگی دیده می‌شود و گویی کسی چندان به حرف دیگری توجه نمی‌کند. در بحث‌هایی که با مصطفی تاج‌زاده دارید، کمتر استدلال رد و بدل می‌شود و به‌نظر می‌رسد افراد گزینه‌هایی دارند و دیگر نمی‌خواهند به گزینه بدیلی فکر کنند.»



«حضور آقای فردوسی‌پور در حسینیه ارشاد بود که مؤثر شد. با حضور عادل مردم به آنجا رفتند که او را ببینند و بدین ترتیب صف تشکیل شد. مشاهده صف‌ها در تلویزیون هم مردم شهرستان‌ها را ترغیب کرد که چرا نشسته‌اید؟ تهرانی‌ها به سمت صندوق‌های رأی هجوم برده‌اند و شما دارید از قافله عقب می‌مانید! بدین ترتیب تا ساعت یک بامداد روز شنبه رأی‌گیری ادامه پیدا کرد»

بله. هیچ شخص دیگری را نمی‌شد جای او قرار داد. در این سناریو گویی شرایط کاندیداتوری فقط در شخص او متعین شده بود، چون ما به دیگر گزینه‌ها هم اندیشیدیم اما هیچ‌کدام شرایط آقای نوری را نداشتند. نوری چند ویژگی داشت: سابقه سیاسی، سابقه کار اجرایی، محذوف‌بودن، زندان‌رفتن، ایستادگی روی مواضع و اینکه همه جریان‌های اصلاح‌طلب او را قبول



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

انتشار کتاب «نام و ننگ سال‌های زردفام»، بهانه‌ای دست داد تا به گفت‌وگو با احمد زیدآبادی بنشینیم و دوره‌ای شش ساله از زندگی او در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ را مرور کنیم. در بخش نخست این گفت‌وگو بیشتر به فعالیت‌های سیاسی او در این دوره و علل و پیامدهای پیروزی محمود احمدی‌نژاد پرداختیم و اینک در دومین بخش، تلاش‌های او برای کاندیداتوری عبدالله نوری و چرایی پیوستن‌اش به کمپین انتخاباتی مهدی کروبی را مورد توجه قرار دادیم. جز این، برخی از جزئیات زندگی او در حوزه روزنامه‌نگاری و تدریس را بررسی کرده‌ایم و از او پرسیده‌ایم حال و هوای کلی آن دوران چگونه بوده است.

«اگر تحلیل شما اینگونه بود که باید اجازه بدهید سیستم خود به این نتیجه برسد که باید تغییر رویه بدهد، بنابراین حضور در هر انتخاباتی ضرورت ندارد، چرا در سال ۱۳۸۷ سراغ گزینه عبدالله نوری برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ رفتید؟»

آن هم کمک به همین پروژه بود. عبدالله نوری فردی زندان‌رفته بود و به‌خاطر روزنامه «خرداد» و دفاعیاتی که در دادگاه داشت، حکم یک روحانی معضوب و محذوف را داشت. در آن زمان بحث من این بود که طی چند سال ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، پتانسیل ناراضی‌ها و اعتراض به‌خصوص در طبقه متوسط شهری به‌ویژه در شهرهای بزرگ ایجاد شده است و حال مسئله اصلی این بود که آیا می‌شود این پتانسیل را در جهت گشایش در پیچه جدیدی به سمت اصلاحات فعال کرد؟ به‌نظر من با کاندیداتوری نوری و حمایت همه‌جانبه تمام اصلاح‌طلبان از او و معرفی‌اش به‌عنوان تنها گزینه ریاست جمهوری خود، آنها می‌توانستند به سیستم بگویند یا این گزینه را با این کیفیت تأیید‌صلاحیت کنید یا ما در بازی انتخابات مشارکتی نخواهیم داشت و کاندیدای دیگری معرفی نخواهیم کرد. چنین روندی به‌معنای بسیج آرام افکار عمومی نیز بود، بدون اینکه جمعیتی به خیابان بیاید یا اتفاق دیگری رخ بدهد. این بسیج افکار عمومی البته می‌توانست بعدتر به کار آید و توافقی در برابر قدرت حاکم ایجاد کند. اگر صلاحیت نوری تأیید می‌شد، بدین معنا بود که سیستم به این نقطه رسیده است که نمی‌تواند نیروی اجتماعی پشت او را نادیده بگیرد و به تغییر و تحولی احساس نیاز کرده است. بنابراین طرح عبدالله نوری را می‌توان آزمونی دانست برای دریافت این نکته و این علامت که آیا در سایه ضعف احمدی‌نژاد، توازن قوای جدیدی برای شکل‌گیری تعامل تازه‌ای شکل گرفته است یا نه؟ در صورتی که تأیید می‌شد سلسله‌ای از کارهای جدید با جزئیاتی که روی آنها فکر کرده بودم، می‌شد انجام داد. معنای عدم تأیید هم این بود که این توازن به هم نخورده است و همچنان قدرت آنها افزون‌تر است، بنابراین نیازی به حضور دوباره ما در صحنه انتخابات هم نیست؛ صحنه‌ای که نتیجه آن به سود آنها تمام می‌شود.

«به نظر تان این امر را که سیستم خواهان تغییر و تحول است فقط با شخص عبدالله نوری می‌شد آزمون کرد؟»

بله. هیچ شخص دیگری را نمی‌شد جای او قرار داد. در این سناریو گویی شرایط کاندیداتوری فقط در شخص او متعین شده بود، چون ما به دیگر گزینه‌ها هم اندیشیدیم اما هیچ‌کدام شرایط آقای نوری را نداشتند. نوری چند ویژگی داشت: سابقه سیاسی، سابقه کار اجرایی، محذوف‌بودن، زندان‌رفتن، ایستادگی روی مواضع و اینکه همه جریان‌های اصلاح‌طلب او را قبول

اتفاقاً در آن دوران سرخوردگی در میان نیروهای سیاسی دانشجویی خیلی عمیق نبود و گوش‌ها نیز شنوا نبود. امروز اما این سرخوردگی بسیار عمیق است. در دهه ۱۳۸۰، وقتی فرصتی پیدا می‌شد و در دانشگاه حضور پیدا می‌کردیم، بحث‌های داغی در می‌گرفت. سیاست‌یون اما اینگونه نبودند و وقتی به تصمیمی می‌رسیدند دیگر ذهنیت‌شان را به روی هر حرفی می‌بستند. در دانشگاه اما فضای تفاهم و گفت‌وگو بازر بود و با دانشجویان تحکیم وحدت مدام گفت‌وگو می‌کردیم. اعضای ادوار تحکیم وحدت نیز ناامید نبودند. البته سرخوردگی بود اما ناامیدی نه خیلی.

«بعد از منتفی‌شدن حضور عبدالله نوری چگونه به مهدی کروبی رسیدید؟ خصوصیاتی که برای نوری برشمردید، تفاوت معناداری با کروبی داشت. به‌رحال او در زمره اصلاح‌طلبان میانه‌رو تعریف می‌شد. مدیریت او در بحث قانون مطبوعات و بعدتر مصاحبه‌هایی که برای نمونه بعد از دولت خاتمی با کیهان داشت و در آن از بسیاری از نیروهای فعال دوران اصلاحات انتقاد کرده بود و تیری جسته بود، مورد انتقاد بسیاری دیگر از نیروهای اصلاحات بود. با چنان سوابقی حضور شما و برخی دیگر از فعالان سیاسی در کنار کروبی مایه تعجب نیز شده بود.»

وقتی پروژه اجتماعی و کاندیداتوری نوری به بن‌بست رسید، سازمان ادوار تحکیم که در واقع یک حزب سیاسی بود، درست در دل انتخابات قرار گرفته بود. شور و هیجانی در فضای عمومی شکل گرفته بود؛ به‌طوری‌که کناره‌گیری از انتخابات بسیار سخت و پرهزینه شد. برآوردمان این بود که کناره‌گیری از این انتخابات، باعث فشار غیرقابل تحملی روی حزب می‌شود. برای همین پذیرفتیم با نگاه و سناریوی تازه یا اصلاً با برنامه «بی» و شرط و شروطی سراغ کاندیداها برویم و با آنها صحبت کنیم. ستاد میرحسین موسوی گفتند وقت مهندس تا ۲۶ خردادماه ۱۳۸۸ (۴ روز بعد از انتخابات) پُر است. نمی‌خواست با ما روبه‌رو شود. نگاهی خاص داشت و آمده بود با پایبندی اصولگرایی و پایبندی به اصلاح‌طلبی نیروهای میانه را جمع کند. روی پیشانی ما هم مهر رادیکال خورده شده بود.

«ولی در ادامه این اصلاح‌طلبان بودند که موسوی را از آن خود کردند. به نظر تان این راهبرد اصلاح‌طلبان نادرست نبود؟»

بله این عمل از جهتی به زبان آقای موسوی تمام شد. سیستم در آن دوران قصد داشت با موسوی کار کند. تأیید صلاحیت هم شد و نسبت به ستاد اصلی او هم اصلاً حساسیتی وجود نداشت. حتی زمره‌هایی مبنی بر عبور نظام از احمدی‌نژاد با آمدن موسوی نیز وجود داشت، زیرا طرز تفکر او مبنی بر ایستادگی در بحث هسته‌ای و ساماندهی اقتصاد و کمک به طبقات ضعیف، تعارض چندانی با نگاه کلی حاکم بر سیستم نداشت. بنابراین اینکه من در آن زمان مهندس میرحسین را کاندیدای نظام نامیدم، منظرم این نبود که از پیش تعیین شده است که او بیاید و پیروز شود، بلکه منظرم این بود که نظام می‌تواند و می‌خواهد با موسوی کار کند. با حضور اصلاح‌طلبان و راه‌اندازی ستاد قطریه، اما به‌نظرم وضع متفاوت شد. سیستم بر این تصور شد که موسوی از نیروهای پایه خود جدا افتاده است و اصلاح‌طلبان می‌خواهند با موسوی همان کاری را بکنند که با خاتمی کردند و دوم خرداد را تکرار کنند. تکرار دوم خرداد اما برای سیستم کابوس بود. به‌همین دلیل تصمیم بر آن شد که تلاش کنند موسوی رأی نیاورد. اگر در آن مقطع هدف اصلاح‌طلبان شکست احمدی‌نژاد و حضور مهندس موسوی در مقام ریاست جمهوری از طریق تعامل با سیستم بود، بله اصلاح‌طلبان اشتباه کردند و این به زبان مهندس موسوی هم شد.

«برگردیم به بحث ستاد کروبی که سفره رنگارنگی گسترده بودند و وضع خاصی داشت؛ بیانیه‌های تند و تیز درباره حقوق شهروندی.»

پس از صحبت‌مان با آقای کروبی، گزینه آئرناتیوی که برای آن بحث جنبش اجتماعی در ذهن‌مان قوت گرفت و از خودمان پرسیدیم آیا شخصی وجود دارد که بتواند از طریق تعامل و مذاکره با ساختار قدرت، سلسله اصلاحات بوروکراتیکی را انجام بدهد؟ در این بحث از خیر اصلاحات اساسی گذشته بودیم. آقای کروبی این خاصیت مذاکره‌کنندگی را داشت. البته وقتی وارد انتخابات شد، به‌نظرم کار از کنترل او نیز خارج شد و بیانیه‌هایی که از طرف ستاد منتشر می‌شد و در مورد تمام مسائل و انواع حقوق شهروندان و اقوام طرح بحث می‌کرد و تحقق آنها را وعده می‌داد با آنچه در آغاز مدنظر او بود تفاوت داشت. راستش من سوگیری این بیانیه را غیرقابل تحقق می‌دانستم هر چه نیز این بیانیه‌ها تندتر می‌شد، من نگران‌تر می‌شدم. این را هم به دوستان ادوار گفتیم که اگر کروبی رئیس‌جمهور شود و بخواهد این وعده‌ها و مطالبات مطرح‌شده را براساس